

رژیم صهیونی که در عملیاتی با نام «شیربرخاسته» به ایران حمله کرد، در چهارمین روز جنگ زیر ضربات موشکی، لشکر ۹۸ خود را از غزه به عقب کشید

عملیات شیر یا موش؟



سید مهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

رژیم صهیونی که در روز اول جنگ خود را مسلط بر اوضاع نشان می داد به سرعت این تسلط را در روزهای دوم، سوم و چهارم از دست داده و به لاک دفاعی فرو رفت. صهیونیست‌ها پیش‌بینی کرده بودند که با حملات غافلگیرانه و خسارت‌بار خود، ایران حداقل یک هفته‌ای در گیر و دار هرج و مرج باشد؛ اما حالا پیش از آن موعد، خود در اغما و هرج و مرج گرفتار شده‌اند.

کاهش شدید حملات هوایی به ایران در پی مورد اصابت قرار گرفتن جنگنده‌ها، خروج یک لشکر از غزه به دلیل بروز مخاطرات مرزی و زیر ضربه رفتن جبهه داخلی و وضعیت سختی را برای رژیم رقم زده است.

■ ■ ■

تشدید گام به گام حملات ایران

ایران بانه‌دلایلی تاکنون از به کارگیری بخش‌های مختلف توان تهاجمی خود علیه رژیم صهیونی خودداری کرده است. ایران قصد دارد مرحله به مرحله شدت حملات، به کارگیری تاکتیک‌ها، اهداف و امواج تهاجمی را افزایش دهد. از این رو سلاح‌ها نیز مانند دیگر ظرفیت‌ها به مرور وارد عرصه می شوند. به عنوان نمونه شامگاه یکشنبه و با مدام دوشنبه، در روزهای سوم و چهارم جنگ، اهداف و شیوه‌های جدیدی به کار گرفته شد.

در این روز حملات ایران که در دو روز اول جنگ تنها در تاریکی شب صورت می گرفت، در روز نیز اجرایی شد.

همچنین در این دوره به جای یک مرحله حمله، چندین مرحله حمله صورت گرفت. از نظر شبیهه، هک کردن و اختلال سامانه‌های پدافندی و هدف گرفتن آن‌ها برای نخستین بار رخ داد.

تحول دیگر گسترش حملات برای هدف گیری جلسات و اماکن حضور چهره‌های امنیتی صهیونیست بود.

تشدید تدریجی از سوی ایران دلایلی دارد؛

الف) ذخیره‌سازی توان برای مقابله با آمریکا

ذخیره‌توان به منظور مقابله با بازیگران جدیدی که احتمال ورود آن‌ها به جنگ می رود شامل آمریکا و تعدادی از دولت‌ها ی اروپایی می شود، صورت می گیرد.

ب) مشکلات امنیتی- فنی و فرماندهی

به مرور با کاهش مشکلات فرماندهی که ناشی از تورهای اولیه بود، اختلال در شبکه هدایت جنگ رو به بهبودی می رود. از سوی دیگر مشکلات فنی- ناشی از خرابکاری‌ها و مشکلات امنیتی ناشی از هدف قرار دادن خودروهای حامل موشک توسط تیم‌های نفوذی در داخل- نیز در حال بر طرف شدن است.

ج) موفقیت سریع طرح‌های دفاعی و هجومی

با موفقیت‌های صورت گرفته در افزایش ضربه اصابت موشک‌ها در پی به کارگیری روش‌های جدید مانند هک، اختلال و نابودی سامانه‌های پدافندی دشمن، فرماندهان تصمیم به افزایش استفاده از تسلیحات هجومی گرفته‌اند. به عنوان نمونه، اگر در شامگاه روز اول جنگ برای تسهیل عبور موشک‌ها از تور پدافندی، ۱۵۰ فروند موشک به یکباره پرتاب شدند، در روزهای بعد اوضاع تغییر کرد. به جای حملات یکباره و همزمان با بیش از یکصد موشک که در عملیات‌های وعده‌صادق ۲ و نیز اجرایی شده‌بود، موشک‌ها چندین نوبت در روز با فواصل زمانی قابل توجه در دسته‌های چندده تایی مانند ۲۰ الی ۴۰ موشک پرتاب می شوند. این امر باعث شده بتوان در با مدام، صبح، بعد از ظهر و شب در چهار نوبت به سمت فلسطین اشغالی شلیک کرد.

د) افزایش فشار زمانی

ایران با تشدید گام به گام باعث افزایش فشار روانی بر سران و ساکنان رژیم شده است، زیرا آن‌ها می‌دانند هر روزشان، بدتر از روزهای قبلشان آغاز و طی خواهد شد.

۲ اوضاع رژیم صهیونی

تائیانهاو در جریان آغاز جنگ با ایران روی اختلال در عملکرد ایران قمار کرد.

دلیل این خطای محاسباتی تلاش وی برای قیاس ایران با لبنان بود.

صهیونیست‌ها پیش از ورود به جنگ با لبنان، دو عملیات بزرگ برای خنثی سازی توان تهاجمی گروه مقاومت این کشور- شامل موشک‌ها



و پهپادها- انجام دادند.

نخستین عملیات در ۴ شهریور ۱۴۰۳ (۲۵ اوت ۲۰۲۴) اجرایی شد. همزمان با تحرکات مقاومت لبنان برای حمله به سرزمین‌های اشغالی و انتقام گرفتن از ترور فرهاد شکر فرمانده نظامی این گروه، نیروی هوایی رژیم صهیونی در یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های هوایی تاریخ منطقه، به بخش مهمی از ذخایر موشکی مقاومت آسیب زد؛ موشک‌ها و پهپادهای زیادی نابود شدند.

دومین اقدام تنها ۱۴ روز بعد در ۱۸ شهریور ۱۴۰۳ (۸ سپتامبر ۲۰۲۴) اتفاق افتاد؛ صهیونیست‌ها با اجرای عملیات کماندوینی و نفوذ به تأسیسات زیرزمینی تولید و ذخیره‌سازی موشک در مصیاف سوریه، ضربه‌ای بزرگ به منبع تأمین موشکی مقاومت وارد کردند.

درست در اولین روز آغاز رسمی جنگ با مقاومت لبنان، سومین ضربه به توان تهاجمی این گروه وارد آمد که دست‌کمی از دو اقدام پیش از جنگ نداشت. این واقعه ۲۳ روز پس از عملیات نخست و ۹ روز پس از عملیات دوم رخ داد؛ هر سه موج طی سه هفته صورت گرفتند. در سومین موج، با انفجار هزاران پیچر، ۴ هزار نفر شامل اپراتورهای با تجربه و حرفه‌ای موشکی و پهپادی مقاومت لبنان به همراه خانواده‌هایشان به شدت مجروح شده و تعداد بسیار کمتری به شهادت رسیدند.

با تکمیل ضربات به توان موشکی مقاومت، اسواح ضربات متراکم به سران عالی این گروه رسید و سید حسن نصرالله و صفی الدین که جانشین او شده بود طی ۶ روز ترور شدند.

با این وجود مقاومت لبنان به عنوان گروهی کوچک، چریکی، مستقر در محدوده‌ای به مراتب کوچک‌تر از وسعت فلسطین اشغالی خود را بازیافت و با شخم زدن شمال تا مرکز، از حمله به حومه تل‌آویو، دولت رژیم صهیونیستی را ملزم به اتمام جنگ ساخت.

روز یکشنبه ۴ آذر ۱۴۰۳ (۲۴ نوامبر ۲۰۲۴) حملات بی‌محابای موشکی حزب‌الله تنها در یک نیمه‌روز کار رژیم صهیونیستی را تمام کرد. صهیونیست‌ها بلافاصله درخواست آتش بس کرده و این امر سه روز بعد در ۷ آذر ۱۴۰۳ (۲۹ نوامبر ۲۰۲۴) محقق شد. مقاومت لبنان که از ابتدای شهریور و چند هفته مانده به آغاز جنگ زیر ضربه رفته بود، مهر و آب‌ان نیز درهم کوبیده شد تا آنکه در اوایل آذر خود را بازیافت.

تل‌آویو فکر می‌کرد اگر بازیابی میدانی و عملیاتی مقاومت لبنان ۳ ماه به طول انجامید، با اقدام همزمان در ترور فرماندهان و ضربه به توان تهاجمی ایران آن هم در شرایط غافلگیرانه، حداقل چند روزی فرصت خواهد داشت.

با این حال از بعدازظهر روز اول جنگ روند بازیابی توان پدافندی و

تهاجمی ایران آغاز شده و بخش عمده مشکلات به سرعت پایان یافت. همین امر فشار زیادی را بر صهیونیست‌ها وارد کرده است. مشکلات وارده به رژیم صهیونی شامل موارد ذیل است؛

الف) مصرف حداکثری ظرفیت‌های رژیم صهیونی درون ایران

صهیونیست‌ها به دلایلی روی به استفاده از ظرفیت‌های خود در درون ایران آوردند اما به سرعت آن را مصرف کردند.

دلیل سرعت بالای مصرف این ظرفیت‌ها، تاریخ انقضای کوتاه‌شان بود، زیرا صهیونیست‌ها می‌دانستند عمده این شبکه‌ها به سرعت در درون کشور مهار و نابود خواهند شد و از این رو تمام توان آن‌ها را پیش از نابودی به سرعت طی روزهای اول مصرف کردند.

به نظر می‌رسد با کاهش توان مزدوران داخلی دو مسئله از سوی صهیونیست‌ها تشدید خواهد شد؛ نخست جنگ روانی و دوم تهاجمات نظامی از بیرون.

ب) وضعیت توان تهاجمی رژیم

با توجه به ظرفیت اندک تهاجمی رژیم برای ضربه به ایران و زیر ضربه رفتن همان ظرفیت در جریان تهاجم‌های موشکی و پهپادی ایران به فلسطین اشغالی و همچنین مصرف توان مزدوران داخلی دو احتمال مطرح است؛ نخست ورود مستقیم آمریکا به شکل افرادی یا با همکاری چند دولت اروپایی و دوم استفاده غیر مستقیم و بدون مسئولیت‌پذیری توان آمریکا به نام رژیم صهیونی. در روش دوم آمریکا به سرعت جنگنده‌ها و امکانات جدیدی در پایگاه‌های خود در منطقه و مدیترانه در اختیار صهیونیست‌ها قرار خواهد داد و همچنین احتمال دارد موشک‌های کروز یا زیر دریایی‌ها و ناوهای این کشور در مدیترانه به سمت ایران پرتاب شوند، آن هم درحالی‌که ادعا خواهد شد این موشک‌ها توسط رژیم صهیونی از داخل سرزمین‌های اشغالی پرتاب شده‌اند.

ج) جبهه داخلی

جبهه داخلی رژیم صهیونی با چند وضعیت جدید روبه‌روست؛ اول آنکه مدت اقامت ساکنان رژیم برای زندگی امن‌تر که در پناهگاه‌ها صورت می‌گیرد، باید به ۲۴ ساعت روز برسد.

مورد دوم به هدف قرار گرفتن پناهگاه‌های زیرزمینی و مستحکم شده مرتبط است که نشان می‌دهد حتی چنین اماکنی نیز امن نیستند. سومین مسئله هک شدن برنامه‌های اعلام حملات موشکی است به گونه‌ای که برخی از عملیات‌های ایران بدون آنکه صهیونیست‌ها متوجه شوند، با برخورد موشک‌ها آشکار شده است.

چهارمین مشکل تعداد بالای موشک‌ها، موج‌ها و مراحل تهاجمی و شدت و قدرت تخریب کلاهک‌هاست. این مسئله باعث شده صهیونیست‌ها پس از چند اصابت خیالشان از اتمام حمله راحت نباشد.

د) تضعیف امنیت

تضعیف توانایی‌های نظامی و حکومتی رژیم باعث شد آن‌ها در روز سوم جنگ احساس کنند احتمال دارد دشمنان‌شان در پیرامون فلسطین اشغالی از این فرصت بهره ببرند.

بر این اساس آن‌ها با کاستن از تعداد نیروهای مستقر در نوار غزه، مواضع خود در مرز با لبنان، سوریه و اردن را تقویت کرده‌اند؛ با اینحال چنین اقدامی خود به معنای تضعیف توانایی‌های ارتش رژیم در غزه و بالارفتن تهدید گروه‌های مقاومتی حاضر در آن است.

در همین راستا اواسط روز چهارم جنگ اعلام شد لشکر ۹۸ ارتش رژیم از غزه عقب نشینی کرده است.

ه) تضعیف استقلال، مقدمه از دست رفتن حکومت

صهیونیست‌ها هرچند همواره وابستگی بالایی به قدرت‌های جهانی داشته‌اند، اما همیشه سطحی از استقلال و آزادی عمل را برای خود حفظ کرده‌اند.

تلاش برای اتحاد با امپراتوری آلمان پیش از جنگ جهانی اول و سپس جدا شدن از این کشور و نزدیکی به انگلیس و پس از آن لانه کردن در آمریکا حکایت از آزادی عمل صهیونیست‌ها دارد.

آن‌ها در دوره ائتلاف و همکاری با انگلیس به این کشور نیز رحم نکرده و چندین تن از مقامات دولتی و نظامی انگلیسی را برای تحت فشار قرار دادن این کشور برای ترک سریع تر فلسطین ترور کردند.

با این حال پس از فروپاشی اوضاع در ۷ اکتبر و با هربار تضعیف، بر میزان اتکای رژیم صهیونی به متحدان غربی‌اش افزوده شده و به تبع آن میزان نفوذ این کشورها در تل‌آویو نیز بالاتر می‌رود.

تبدیل شدن رژیم صهیونی به رژیمی مشابه با دولت‌های تحت‌الحمایه، گامی میانی، بین موجودیت رژیم و نابودی آن است.

در این شرایط استقلال صهیونیست‌ها از بین رفته و در سویی دیگر هزینه‌های نگهداری آن برای غرب افزایش می‌یابد.

۳ متحدان رژیم صهیونی

بر اساس آنچه در شبکه‌های مجازی منتشر شده و برخی از منابع خبری اعلام کرده‌اند قرار است آمریکا سامانه‌های پدافندی جدیدی را برای کمک به رژیم صهیونی وارد فلسطین اشغالی کرده و همچنین جهت نظارت و مداخله احتمالی، یک ناو هواپیمابر خود را نیز به منطقه اعزام کند.

از سوی دیگر گفته شده انگلیس نیز قصد دارد با ارسال تجهیزات خاص در دفاع موشکی به صهیونیست‌ها کمک کند.

به نظر می‌رسد این اقدام دفاعی دارد. در وهله اول صحبت از ارسال تجهیزات بیشتر پدافند موشکی آمریکا به سرزمین‌های اشغالی القای این مسئله است که دلیل عبور موشک‌های ایرانی کمبود سامانه‌های پدافندی بوده است. اخبار مربوط به مشارکت انگلیس نیز در همین راستا منتشر شده‌اند.

در وهله دوم، اعلام خبر اعزام ناوهای هواپیمابر که رسیدن‌شان به منطقه چند روزی طول خواهد کشید، به دنبال اعمال فشار بر ایران برای کاستن از دامنه حملاتش به سرزمین‌های اشغالی است.

همچنین احتمال دارد این حرکت نوعی فریب نیز باشد، به این شکل که به ایران القا کند تمام توان تهاجم هوایی صهیونیست‌ها دچار مشکل شده و آن‌ها نیازمند بمباران‌های آمریکا هستند، اما ناگاه صهیونیست‌ها بار دیگر با ده‌ها جنگنده مسلح به موشک‌های بالستیک و کروز هواپرتاب، ضرباتی شدید به اماکن حساس ایران وارد آورده و افراد دیگری را ترور کنند.

این خبرها از جهاتی نیز برای جنگ روانی در داخل ایران و برای بحرانی نشان دادن اوضاع منتشر می‌شوند.

اتاق‌های فکر غربی معتقدند نشان دادن حرکت آمریکا به سمت جنگ باعث می‌شود صداهایی برای ملزم کردن نیروهای مسلح به پایان حملات‌شان بلند شده و وحدت ایرانیان در دوره کنونی را بشکنند.

■ ■ ■

چرا ادبیات ستایشگرایانه دونالد ترامپ، پس از پاسخ موشکی ایران، به سمت آتش بس رفت؟

دکترین پیش‌دستانه تل‌آویو

نابودسازی حزب الله آغاز کرد. رژیم با این جمع‌بندی دست به حمله پیش‌دستانه زد که می‌تواند به سرعت حزب‌الله را به عقب براند اما ورق به سرعت بازگشت و حزب‌الله به سرعت به این تجاوز پاسخ داد و باعث شد تل‌آویو پس از یک جنگ ۳۳ روزه بدون هیچ دستاورد جدی‌ای، شکست تاکتیکی و سیاسی سنگینی بخورد و با کمک واسطه‌ها، به آتش بس برسد.

وضعیت چگونه است؟

ایران در میانه جنگ نمی‌خواهد همه آنچه را که باید اعلام شود، بیان کند؛ اما برخی متخصصان با بررسی‌های دقیق، بخش قابل توجهی از پروپاگاندا رسانه‌ای رژیم را باطل کرده‌اند. به عنوان نمونه «مایک میهاجلوچ» که متخصص نظامی است و سابقه قابل توجهی در زمینه سامانه‌های موشکی، پدافندی و مخابراتی دارد در شبکه ایکس نوشت که حدود ۷۵ درصد از ویدئوهای مربوط به اصابت قرار گرفتن سامانه‌های موشکی ایران در واقع «طعمه» بوده‌اند. منظور او این است که بخشی از تجهیزات ایران که هدف قرار گرفته، در واقع «ماکت»‌هایی در ابعاد واقعی بودند که برای چنین روزهایی ساخته و مستقر شده‌بودند.

این واقعیت‌ها و پاسخ سخت ایران که در چهارچوب «چشم در برابر چشم» به طور مرتب از جمع‌مشب‌ادامه‌دار بوده، باعث شد تا رژیم از نقطه «برنده جنگ» خارج شده و وارد فاز «دفاع از دستاوردها» شود. این یعنی، اگرچه اسرائیل ضربه‌زد، اما ایران بازی را عوض کرد. البته این فاز تا جمع‌شب اعتبار داشت. حملات شبیه‌و یکشنبه‌ایران این فاز را نیز تغییر خواهد داد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی کاملاً از این موضوع آگاه است و از همین رو نیز شیوه جنگ را تغییر داد و به شکل گسترده تخریب زیرساخت‌ها و حمله به غیرنظامیان را در دستور کار قرار داد؛ اما این طراحی نیز بدون پاسخ نماند و تهران نیز در همان سطح و شاید کمی بیشتر به آن پاسخ داد. در روز چهارم جنگ، رژیم چنان در ناتوانی قرار گرفته که دست به اقدامات احقرانه و بی‌حاصلی همچون حمله به سازمان صدواوسیما ی ایران زده است. البته احتمالاً این نیز بی‌پاسخ نماند. در لحظه نگارش این گزارش، اخباری در رسانه‌ها منتشر شده است

یا تأخیر در واکنش، شکست خورد و ایران بلافاصله وارد عمل شد و سرزمین‌های اشغالی را به آتش کشید تا ظرف صهیونیستی و پشتیبانانش متوجه شوند ایران، مصر واردن و سوریه نیست. تأییش از حمله موشکی ایران، رسانه‌های غربی و صهیونیستی ادعا می‌کردند دلیل ناتوانی تهران در پاسخ به این است که هر لانچر، پیش از آنکه استقرار یابد و شلیکی به سمت تل‌آویو داشته باشد، منهدم می‌شود. با وجود این ادعاها، پیش از حمله موشکی، ایران توانست سامانه‌های پدافندی خود را به چرخه عملیاتی بازگرداند، یعنی سامانه‌هایی که با از کار افتاده بودند- به دلیل حمله- یا هنوز فعال نشده بودند، در مدت بسیار کوتاهی مجدداً روشن و کالیبره و به شبکه فرماندهی و داده متصل شدند و در رهگیری اهداف هوایی موفق عمل کردند. بازگشت پدافند نشان می‌داد که در آفتد نیز ایران با وجود شهادت فرماندهان اصلی خود، بلافاصله با فرماندهان جایگزین شده، پاسخ سختی به رژیم خواهد داد و چنین نیز شد. ضربه موشکی ایران به رژیم صهیونیستی آن هم در کمتر از یک روز، نشان می‌داد اصل غافلگیری که متمرکز بر نابودی اراده جنگ‌و ساختار نظامی طرف مقابل است، نتوانسته نتایجی که صهیونیست‌ها تصور می‌کردند را به همراه داشته باشد. شکست در اصل غافلگیری، نشان داد ساختار فرماندهی ایران غیر متمرکز است؛ سامانه‌های ایران در لایه‌های مختلف قابل بازیابی‌اند و راهبرد امنیتی ایران مبتنی بر «بازی بلندمدت و تلافی قطعی» پیش روست. این وضعیت باعث شد ارزیابی نظامی رژیم دچار خدشه شود و حامی اصلی آن یعنی آمریکا متوجه شود که این جنگ، نه یک نبرد کوتاه مدت که یک درگیری بلندمدت، پرهزینه و در نهایت بی‌نتیجه است. آمریکایی‌ها که چنین جنگ‌هایی را در منطقه تجربه کردند، بلافاصله تغییر رویکرد دادند و از ستایش رژیم بابت عملیات، به سمت جمع کردن آتش در منطقه رفتند. پس از این بود که ادبیات دونالد ترامپ تغییر کرد و او در گفت‌وگوی روز شنبه با لادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه اولیه بار به صورت رسمی خواستار آتش بس میان ایران و اسرائیل شد. اما چاره یکباره لحن سر مستانه ترامپ تغییر کرد؟ پاسخ به این سؤال را نیز می‌توان در تجربه تاریخی رژیم جست‌وجو کرد. تابستان سال ۲۰۰۶، رژیم با تکیه بر عنصر غافلگیری، حمله همه‌جانبه‌ای به لبنان با هدف



کار ایران را تمام‌شده می‌دانستند. آقلدر که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در نخستین واکنشش به تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران، آن را «عالی» خواند و با سرمستی گفت که «ضربه‌های بیشتری هم در راه است.» این اظهار نظر رئیس‌جمهور آمریکا در ساعتهای ابتدایی حمله، «عجولانه» نبود؛ چرا که تجربه تاریخی نشان می‌داد رژیم صهیونیستی با تانکابه «اصل غافلگیری» مرنشونت بسیاری از نبردها در همان ساعات اولیه به نفع خود رقم زده بود. در با مدام جمعه، رژیم همان الگوی سابق را به کار برد و ضمن ترور فرماندهان رده بالای نظامی و دانشمندان هسته‌ای، تا ساعت ۷ صبح به وقت تهران، رژیم صهیونیستی پنج موج از حملات علیه ایران را اجرا کرده و به چندین تأسیسات هسته‌ای و نظامی حمله کرده بود. اخبار این طفر ا با حملات پی‌در پی روز جمعه، در صدر اخبار رسانه‌های غربی قرار داشت. بر روی کاغذ و در محاسبه صهیونیست‌ها و مقامات آمریکا، همه چیز تقریباً تمام شده بود و غرل‌تونسناک ایران، تنها در عرض چند ساعت، زمین خورده بود و راحت‌تر از جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ که اسرائیل با یک حمله هوایی غافلگیرکننده علیه مصر، تنها در ۳ ساعت، ۹۰ درصد نیروی هوایی قاهره را نابود کرد و بلافاصله به سراغ اردن و سوریه رفت و طومار آن‌ها را هم پیچید. در ایران، افکار عمومی متأثر از ضربه سخت اولیه و پروپاگاندا رسانه‌های جهانی به نفع رژیم صهیونیستی با این پرسش مواجه بودند که ایران هم به سرنوش‌ت مصر دچار می‌شود؟ آن‌ها که کم‌سن و سال‌تر بودند، وقایع اخیر سوریه جلوی چشمشان آمد و نابودسازی تمامی توانمندی‌های هسته‌ای و دفاعی ایران. در میان این نگرانی‌ها، اخباری در فضای مجازی دست به دست می‌شد که در آن ادعا می‌شد طبق برآورد سازمان سیا، اسرائیل از مرحله نابودی تهدید هسته‌ای عبور «ا کرده و وارد مرحله «تغییر نظام» در ایران شده است. طبق این اخبار، س‌ان آن نیز گزارش سیا دربار تغییر نظام در ایران را تأیید کرده بود. وضعیت تیره‌تر از آن چیزی بود که تصور می‌شد تا اینکه حوالی ساعت ۹ شب، یعنی کمتر از ۲۰ ساعت پس از حمله رژیم، صحنه تغییر کرد و محاسبات رژیم برای نمایش تصویر مصنف ایران و قدرت قاطع اسرائیل و ناچار کردن ایران به سکوت